

باختر امروز

« جریة باختر امروز »

نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط

العدد الحادي عشر السنة الاولى

المرحلة الرابعة

مايس ١٩٧١

مؤسس : شادروان دکتر سيد حسين فاطمي
نشریه سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

همکاری دهقانان و زحمتکشان شهر با مبارزین
سیاهکل بزرگترین دلیل بر رشد شعور انقلابی خلق
است و امیدی بس عظیم در دلها می آفریند . این
همکاری نشان داد که در صورت تشدید مبارزه ، نیروهای
خلق بسرعت بسیج میشوند و امپریالیسم و ارتجاع
را با عمق گورستان تاریخ میفرستند .

اردیبهشت ۱۳۵۰

دوره چهارم

شماره ۱۱ سال اول

اخبار

توطئه جدید رژیم شاه

بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ایم رژیم جنایتکار شاه
علیه حضرت آیت‌الله خمینی مشغول توطئه گری
است ورنیخال خود برای منحرف کردن اذهان عمومی
میخواهد مسئولیت آنرا بعهده مقامات غیر ایرانی بگذارد
و اخیرا جسارت را بجائی رسانده که بطور رسمی و
مستقیم از طریق تماس با اقوام و نزدیکان ایشان ویا
از طریق پیغام و شایعه توسط عوامل شناخته شده ،
ایشان را تهدید به تسلیم و یا قتل کرده است .
حضرت آیت‌الله خمینی بعلمت مبارزه سرسختانه‌ای
که علیه استعمار و امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه
بعمل آورده‌اند ، مورد کینه شاه و هیئت حاکمه مزدور
ایران هستند و سالیان دراز است که در عراق بحالت
تبعید بسر میبرند .

بعلمت مبارزه و مقاومت دلیرانه‌ای که جامعه
روحانیت مرفقی برهبری ایشان بعمل آورده در صف
مردم قرار دارند و از حمایت مردم نیز بهره‌مند هستند .
ما ضمن افشای این توطئه خائنانه بتحقیقات خود
در این مورد ادامه داده و همه مبارزین را برای نبردی
جدی و قاطعانه‌تر علیه رژیم شاه دعوت میکنیم .

اعتصاب کارگران

در اثر ازدیاد سرسام آور هزینه زندگی واستثمار
شدید زحمتکشان ، اعتصابات کارگری در ایران شدت
یافته است از جمله در « کارخانه‌های جهان چیت » ،
« قرقره زنبیا » ، « شرکت واحد » و چند کارخانه نساجی
شرکت آریا و شاهین و مقدم و فخر ایران
کارگران دست باعتصاب و تظاهرات زدند . رژیم شاه
برای سرکوب اعتصاب کنندگان بقوای نظامی متوسل
شد و در نتیجه تیراندازی ده نفر از کارگران نساجی
زخمی شده‌اند .

● عملیات قهر آمیز از جمله به افراد پلیس گرفته
تا جمله به کلانتریها و پاسگاه‌ها و به ازدیاد است
از جمله کشتن يك پاسبان در سه راه ضراب‌خانه
و ضبط اسلحه و کشتن يك پاسبان در صاحبقرانیه و
ضبط اسلحه او جمله به کلانتری ساری و کشتن يك
افسر و يك پاسبان جمله به کلانتری تبریز کشتن سه
پاسبان خلع سلاح کلانتری بولوار ناهید . تدارک انفجار
بلی اهواز . در این عملیات مقدار زیادی اسلحه بچنگ
مبارزین افتاده است .

دانشگاه تهران تعطیل است

دانشگاه تهران و در رأس آن دانشکده فنی از
پنجم اردیبهشت بعنوان اعتراض به برگزاری جشن
کذابی « دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی » دست
باعتصاب زده‌اند . این اعتصاب از طرف همه
دانشجویان دانشگاه تهران پشتیبانی شد . از طرف
دولت دستور حمله قوای نظامی و پلیس بداخل دانشگاه
داده شد و در این حادثه عده کثیری زخمی شده قریب
۲۵۰ نفر دستگیر گردیدند . بعنوان اعتراض باعمال
خشونت آمیز پلیس و دخالت قوای نظامی در دانشگاه
۱۵۰ نفر از استادان دانشگاه نامه‌های اعتراضی بدولت
و دربار ارسال داشتند . دانشگاه هنوز تحت اشغال
پلیس بوده و تعطیل میباشد .

بقیه در صفحه ۳

هر شب ستاره ای بزمین میکشندوباز
این آسمان غمزده غرق ستاره هاست



مبارزات اخیر در گیلان بوضوح نشان داد که چگونه يك گروه كوچك و مصمم و مبارز میتواند عده كثیری از قوای دولتی را فلج كند . همکاری مردم با چريك‌ها باعث شده است كه آنها بتوانند مبارزه خود را ادامه داده و تشدید كنند .

گروه‌های متعدد انقلابی پیگیرانه در تدارك تشدید مبارزه
می‌كوشیدند . صدها نفر از مبارزین با سابقه و هزاران
جوان انقلابی دیگر بالهام گرفتن از میلیون‌ها كارگر
و دهقان ایرانی در نقاط مختلف كشور برنامه ریزی
انقلابی می‌كردند . یکی از این هسته‌ها آنهاهی هستند كه
امروزه آنان را « گروه قهرمانان سیاهكل » می‌نامیم .
برنامه ریزی طولانی و دقت عمل آنان باعث شد كه نه
تنها تا هنگام شروع عملیات از چشم سازمان امنیت
مخفی بمانند بلکه حتی پس از آنهم بجز عده‌ای از آنان
بچنگال رژیم نیفتند .
افراد این گروه از چند سال قبل در پی تشكيل
هسته‌های متعدد انقلابی ماركسیست - لنینیستی در
نقاط مختلف كشور بر آمدند ولی چون میدانستند كه
اگر یکی از شبکه‌های آنان كشف شود پلیس با خشونت
ددمشانه‌ای كمر به نابودی آنها خواهد بست و چون
بقیه در صفحه ۲

كنگره كفن‌در اسیون

دوازدهمین كنگره كنفدراسیون جهانی محصلین
و دانشجویان ایرانی با شرکت قریب يك هزار نفر از
دانشجویان در روزهای ۹ تا ۱۴ مارس در فرانكفورت
(آلمان غربی) بر گزار شد . بر گزارى این كنگره مصادف
با موج نوینی از مبارزات در ایران و تشدید توطئه های
پلیسی شاه علیه دانشجویان ایرانی در خارج از
كشور بود .

شرکت وسیع توده‌های دانشجویی واستقبال دول
مرفقی وسالمانها و شخصیت های جهانی از كنگره
بهترین نمودار این حقیقت است كه جهت تركت
كنفدراسیون مطابق ضروریات نهضت ملی بوده وهیچ
نیروئی قادر ببقابله با آن نیست .

درست در لحظاتی كه دولت كوشش میکند
كنفدراسیون و فعالین آنرا بجرم توطئه علیه مصالح
مملكت بحاكمه بكشد استقبال بینظیر توده‌های
دانشجویی بزرگترین مشمت محكم را بدانها یاره سرایانی
چون شاه ودادستان نظامی او بهزادی میكوبد ودر همین
لحظات است كه نیروهای مرفقی جهان مانند دولت
ویتنام شمالی و دولت موقت ویتنام جنوبی ووزمندگان
فلسطین و كامبوج بیاری آنان می‌آیند . (در همین
شماره متن پیام دولت های ویتنام شمالی ودولت موقت
ویتنام جنوبی وزان پل سارتر درج شده‌است)

كنفدراسیون با اطمینان از پشتیبانی توده‌های
دانشجو بمبارزه سر سخنانه خود علیه امپریالیسم
و ارتجاع ادامه خواهد داد . ما انعقاد دوازدهمین كنگره
كنفدراسیون را صمیمانه تبریک میگوئیم .

افسانه جزیره ثبات همچون رشته تخیلات خیال
پردازی كه با صدائی پاره شود با اولین شلیك گلوله‌های
مسلسل چريك‌های سیاهكل به زباله دان تاریخ فرستاده
شد و ناقوس مرگ این دست پرورده اهریمنان بمناب
نارش پیروزی خلق طین انداز گشت .
سالها همه وسائل تبلیغاتی امپریالیسم جهانی
سخن از ثبات و آرامش ایران می‌رانندند . ارتجاع
داخلی و منطقه‌ای و صهیونیسم نیز در خیال بافی های
خود سخن از جزیره‌ای میراندند كه در میان امواج
خروشان انقلاب شرق پناهگاهی بانان عرضه میدارد ولی
حقایق نشان داد كه این همه خوابی و خیالی بیش نبود .
امپریالیسم حماقت تاریخی خود را بار دیگر ثابت كرد
و عدم فعالیت‌های قهر آمیز انقلابی را بسا نابودی
انقلابیون و عدم شرایط انقلابی یکی گرفت . در هفته‌های
اخیر قیام رزمندگان در گیلان و حوادث سیاهكل ،
شكست نقشه‌های امپریالیسم و بیداری خلق ایران را
بار دیگر بشوت رسانید .

ما در شماره‌های قبلی باختر امروز وضع نیروهای
مرفقی ایران را نوشتیم و تذکر دادیم كه مرفقی تر شدن
محتوی و قهر مبارزاتی از مشخصات خاص این دوران
مبارزه است و اظهار داشتیم كه بر خلاف مراحل قبلی ،
اغلب مبارزین ایران به ضرورت قهر آمیز بودن مبارزه
معتقد شده‌اند و در تدارك شروع آن هستند . ما همچنین
وجود هسته‌های متعدد انقلابی را در نقاط مختلف كشور
متذکر شدیم . و گفتیم كه امکانات فعالیت‌های انقلابی
این هسته‌ها با وسیع‌تر و شدیدتر شدن نارضامی عمومی
بیشتر میشود و تا كنون در چندین مورد علائم ظهور قهر
انقلابی بصور مختلف ظاهر شده است . بمحاذات
تشدید مبارزه ، دستگیری‌ها ، شكجبه‌ها و كشتارها نیز
رو به ازدیاد گذاشت و بالاخره رژیم با دستگیری و
محكومیت « گروه فلسطین » تصور كرد كه ضربت نهایی
را وارد ساخته و بقدر کافی نیروهای مرفقی را مرعوب
یا راكنده ساخته است . این تصور از لحن پر طمطراق
و مقام امنیتی و در مصاحبه‌های قبلی وی و نیز یاره
سرای شاه راجع بان حوادث بخوبی پیدا بود . آنان
مانند فاتحنی كه پیروزی نهایی را كسب کرده‌اند و
حریفی در مقابل خود نمی‌بینند در رجز خوانی مسابقه
گذاشتند كه منتهای ابتدال آنرا در نطق همایونی دیدیم .
ولی حماقت ذاتی مرتجعین تنها در اردیابی غلط
شرایط نیست بلکه در این نکته است كه اغلب خود
آنها زودتر از همه در دام خود گسترده می‌افتند
و امر برایشان مشتبه میشود و بعدوقتی غافلگیر شده و
ضربه میخورند چنان دیوانه میشوند كه اجبارا چهره
گریه خود را بی پرده ظاهر می‌كنند . درست در همان
موقتی كه شاه و مقام امنیتی (ثابتی ، معاون كشیف
و سفیه اداره سوم سازمان امنیت) رجز خوانی می‌كردند

این حق مسلم تودو با است كه خشونت مبرالسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

سیاهکل

بقیه از صفحه ۱

میدانستند که « کسی که تدارک جنگ غیر قابل اجتنابی را ببیند چنانکار است » و بیاعتبار دیگر مبارزه فسر آمیز ممکن است زود تر از آن هنگام که مطابق برنامه آنها بود بآنان تحویل شود لذا در صدد پیمان کردن امکاناتی برآمدند که در در موقع ضروری بجای ششمین و تماشایی نابودی خود بوسیله رژیم بودن ، بتوانند از آن امکانات استفاده کنند . یکی از این تدارکات پیدا کردن نقاطی بعنوان پناهگاه بود . وقتی در دی ماه ۱۳۴۹ تعدادی از افراد یکی از این هسته‌های انقلابی دستگیر میشوند عده‌ای از آنان به جنگل‌های شمال رفته شد و در پناهگاه‌هایی که از قبل ایجاد کرده بودند مستقر شدند و در صدد ادامه مبارزه خود بر می آیند . در تاریخ ۱۹ بهمن ۴۹ ، ایرج نیری آموزگار سپاهی قریه « شب حسن لات » از نواحی سیاهکل (از توابع لامیجان ۴۰۰ کیلومتری شمال شرقی تهران) بعلت گزارش رئیس خانه انصاف قریه « لیش » بنام اکبر وحدتی که به فعالیت‌های او مشکوک شده بود دستگیر میشود . هادی بنده خدا لنگرودی از افراد شبکه برای اطلاع از وضع نیری به شب حسن لات و لیش می‌رود ولی خود او نیز دستگیر میشود . در جریان دستگیری ، وی وقایع را با بی‌سیم برق‌های خود که در جنگل بودند اطلاع میدهد . هادی پس از دستگیری به سیاهکل و سپس به لامیجان برده میشود . همان شب چهار نفر از رفقای وی برای نجات او به پاسگاه سیاهکل حمله می‌کنند در این حمله یک ژاندارم و یک غیر نظامی بقتل میرسند چریک‌ها سپس برای اهالی ده دلیل اقدام خود را مفصلا توضیح میدهند و سپس با کمک هادی بنده خانه انصاف رفته و اکبر وحدتی (رئیس خانه انصاف) را بجای خیانت و جاسوسی بقتل میرسانند و سپس به پناهگاه خود در جنگل بر میگردند . بلا فاصله قوای دولتی برای پیدا کردن آنها شروع به فعالیت میکنند ولی با وجود تعداد قلیل چریک‌ها ، در برخورد‌های اولیه تعداد زیادی از قوای دولتی کشته و زخمی میشوند . پس از این دولت بعجله قوای امدادی زیادی از نواحی مختلف منجمله ژاندارمری کل کشور جمع آوری کرده و به حمله می پردازد که منجر به دستگیری سه نفر از چریک‌ها باسامی علی اکبر صفائی فراهانی دبیر سابق ، جلیل انفرادی کارگر ، احمد فرهودی کارمند سابق دارائی میشود ولی بقیه یارترین ها شجاعانه جنگ را ادامه داده و تا آخرین نفس می‌جنگند و تعداد بیشتری از قوای دولتی را از پای در می آورند . در ایران اکنون شایع است که جمعا در حدود ۲۰۰ نفر نظامی و غیر نظامی وابسته بدولت در این جریان کشته شده‌اند (دولت تعداد نظامیان کشته شده را ۶ نفر ذکر میکند ولی از ذکر تعداد غیر نظامیان کشته شده امتناع میکند) . در حملات مکرر به پاسگاه‌ها ، فقط ۴ نفر چریک ، توانستند قوای دولتی را تا مدت زیادی فلج کنند ولی بالاخره دو نفر از قهرمانان بنام محمد رحیم سماعی دانشجوی سابق دانشکده پلی تکنیک و مهدی اسحق دانشجوی سابق دانشگاه پهلوی شیراز در ساعت ۱ صبح ۴ اسفند ۱۳۴۹ شهادت رسیدند و ۳ نفر دیگر باسامی محمد (هوشنگ) نیری دیلمه ، عباس دانش بهزادی دانشجوی سابق دانشکده دامپزشکی و دکتر محمد علی مجدث قندیچی که سخت زخمی شده بودند دستگیر میشوند .

در رابطه با این گروه در حدود ۲۵۰ نفر از نقاط مختلف کشور که شبکه‌های این گروه وجود داشت منجمله اصفهان ، خوزستان ، گیلان ، تهران ، خراسان ، کرمان و فارس از دی ماه تا اکنون دستگیر شده‌اند (دولت این تعداد را ۵۶ نفر ذکر میکند) ۶ نفر از دستگیر شدگان اخیر بنام‌های ستوان غفور حسن پور اصل ، سیف دلیل صفائی کارمند شرکت تولیدارو ، اسماعیل معینی عراقی کارمند شرکت تلفن ، محمد هادی فاضل کارمند وزارت آب و برق ، شعاع‌اله مشیدی کارمند شرکت تلفن ، اسدکنگ (مرتضی) رحیمی آموزگار ، و باضافه ۶ نفری که در جریان زد و خوردها دستگیر شده بودند و هادی بنده خدا لنگرودی که حمله به پاسگاه سیاهکل بخاطر نجات او صورت گرفته بود (جمعا ۱۳ نفر) مورد وحشیانه ترین شکنجه‌های تاریخ قرار می‌گیرند . (از جمله پای یکی از مبارزین را اوره می‌کنند) بطوری که ۸ نفر از قهرمانان در زیر شکنجه شهید می‌شوند . در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ جنازه این ۸ نفر و بدن نیمه جان ۵ نفر دیگر بامر شاه تیرباران شدند .

از نواحی مختلف جمع آوری شدند . مناطق وسیعی از جنگل‌های شمال منطقه ممنوعه اعلام شد ، کلیه راه‌های شمال تحت عنوان جلوگیری از خطر « سقوط بهمن » بسته شد ، بمب افکن‌های فانوم بهانه شکستن « دیوار صوتی » مناطق وسیعی را که امکان وجود چریک‌ها در آنجا مرفوت بمباران کردند ، هلیکوپترهای متعدد برای پیدا کردن چریک‌ها بجستجو پرداختند . هر فرد که در منطقه ممنوعه پیدا میشد نه تنها خود او بلکه تمام خانواده‌اش را دستگیر میکردند . در مناطق وسیعی که حکومت نظامی اعلام شده بود کوچکترین رفت و آمد را تحت نظر میگرفتند و برای ارباب مردم افراد را بپناه‌های مختلف توقیف میکردند و از تمام امکانات خود برای جلوگیری از پخش اخبار استفاده مینمودند . مهذا گروه‌های متعدد دهقانان سر به عسبان بر داشتند و عده‌ای بجنگل رفتند و خارطه شکوهمند قیام کوچک خان را در قلب جنگل بار دیگر زنده کردند . در نقاط مختلف ایران صحبت از جنبش انقلابی در گیلان بود و دولت که خود را نا توان میدید با خشن‌ترین وضعی با افرادی که در این مورد کجنگاوی بفرج میدادند روپرو میشد . اعلامیه‌هایی از طرف هسته‌های مختلف انقلابی بظرفداری از جنبش گیلان بمیزان وسیع منتشر شد که در آن از همه « خلق ایران برای رهایی از بند ستم امپریالیسم جهانی و دست نشاندهان داخلی سه سرمداری شاه خائن » دعوت بمبارزه بعمل می‌آمد . دانشگاه تهران در دو تظاهرات وسیع قبل و بعد از تعطیلات نوروز پشتیبانی خود را از مبارزین سیاهکل اعلام داشت . دانشجویان با دادن شعار « درود به قهرمانان سیاهکل » همبستگی همه مردم را با مبارزین سیاهکل نشان دادند .

در تاریخ ۱۵ بهمن ، ثابتی (مقام سازمان امنیتی) مصاحبه‌ای بعمل آورد (قبل از جریان قلهک و مجازات فرسیو) . وی در این مصاحبه بر خلاف دفاتر قبیل بسیار عصبی و ناراحت و ترسیده بنظر میرسید . از لحن پرور منداغه مصاحبه‌های قبلی خبری نبود . در ابتدا مذبحوحانه در مقام دفاع برآمد و « تهمت » هائی را که بسازمان امنیت می‌زنند باصطلاح رد کرد . سپس صریحا بعجز رژیم در جلوگیری و مقابله با انقلابیون اعتراض نمود و نه تنها صریحا گفت که جریان اخیر بحدی خشن شده بود که ممکن بود برای رژیم بسیار خطرناک شود (اشاره بجنبش دهقانان و توجیه خشونت حیوانی در اعدام ۱۳ نفر) بلکه آشکارا گفت که رژیم در پیشگیری از تکرار این حوادث عاجز است و باصطلاح با همه دردنگی رژیم این وقایع « باز هم تکرار میشوند » (یعنی مبارزات مردم ادامه می‌یابد و تشدید میشود) . اعتراف مهم دیگر وی در رابطه با وجود هسته‌های مبارز انقلابی کارگران در کارخانه ها بود . وی اظهار داشت که از کارهای همیشگی سازمان امنیت کشف و مقابله با هسته‌های کارگران انقلابی است بدین معنی که کارگران ایرانی که شدیداً تحت ستم هستند در گروه‌های متعددی متشکل میشوند و سازمان امنیست علاوه بر کشف و دستگیری « همیشگی » این گروه‌ها سعی میکند به کارفرمایان کارخانه ها بفهماند که برای جلوگیری از انقلاب کارگران باید حد اقل امتیازات موفقی برای آنان قائل شوند . ما در گذشته هم درباره وجود این گروه‌های انقلابی و هم شیوه سازمان امنیت در برخورد با آنان اشاره کرده‌ایم ولی اکنون اعتراف سازمان امنیت (علاوه بر نشانه حماقت بلند گوی آن) دلیل بر این امر است که دامنه این مبارزات بجائی کشیده که رژیم خود را قادر باختفای آن نمی بیند و لاجرم تحت عنوان « اعتراف » سعی میکند مقداری جعلیات نیز با آن همراه کند . اجباری بودن این اعتراف بخوبی از سخن دیگری همین مامور سازمان امنیت آشکار است . وی بدون هیچ نوع خجالت و در مقابل ۳۰ میلیون مردم ایران میگوید « در انتشار و افشاء این اخبار تردید داشتیم » ! یعنی اولاً بخود حق میدهند که ۱۵ نفر را بکشند ، عده کثیری را دستگیر کنند ، دادگاه صحرائی تشکیل دهند ، جنگل‌ها را بمباران کنند و بعد « تردید » کنند که آیا اخبار را منتشر کنند یا نه ؟ یعنی آیا مردم حق دارند بدانند در مملکت چه میگذرد یا نه ؟ و همین فرد آنقدر احمق و وقیح است که چند دقیقه بعد و در همین نقطه دم از دموکراسی ! میزند و دیکتاتوری پرولتاریا (یا بقول شاه دیکتاتوری مزدوران) را بباد استهزاء می‌گیرد . وقتی سخنوری رژیمی آنقدر احمق باشد که نه معنی دیکتاتوری پرولتاریا را بفهمد و نه دموکراسی سازمان امنیت ! را لاجرم سرنوشت او و اربابانش بهتر از سایر مرتجعین جهان نخواهد بود . مقام سازمان امنیتی این بار نیز کوشید که منشأ تمام این حوادث را بخارج از مرزهای ایران بچسباند . کنفدراسیون و سازمان‌های مترقی خارج از کشور و دشمنان قسم خورده ! همه و همه پز کار

سهیم بودند آن که در کار مداخله نداشت خلق ایران بود ولی این بار فضااحت کار آنقدر بالا گرفته بود که مقام امنیتی زیاد روی این « تز » پافشاری نکرد و با فاش شدن وسعت کار در نقاط مختلف کشور و آگاهی انقلابی کارگران و دهقانان مجال زیادی برای زورچیان کردن تز « منشأ همه چیز در خارج از کشور است » نیافت . روزنامه‌های ایران هم فقط تا آن حد توانستند پیش بروند که بگویند چریک‌ها « باحتمال زیاد » ! با خارج از کشور تماس داشته‌اند . و باز برای نشان دادن درجه سفاقت رژیم و افتادن در دام خود گسترده بخوانندگان یاد آور میشویم که مصادف با همین ایام رژیم حملات وحشیانه خود را در خارج از کشور رتسنسبیت به کنفدراسیون دانشجویان و سازمان‌های مترقی سیاسی تشدید کرده و دسته دسته ماموران و جاسوسان خود را به خارج روانه کرده است و نکته جالب این است که همین مقام سازمان امنیتی یعنی ثابتی ، با وجود این همه حماقت و سفاقت بکشورهای مختلف برای ارزیابی کار دانشجویان فرستاده شد . ببینید وضع رژیم بچسب کشیده که یک سفیه را بچند مترقی ! همانطور که اشاره شد تشدید فشار رژیم نه تنها باعث تضعیف نیروهای مترقی نشد بلکه تضاد را آشکارتر و مبارزه را قهر آمیز تر کرد و مردم برای العین شدت خشونت دستگاه و عمال او و سرسپردگی او را به امپریالیسم جهانی دیدند . درست در لحظاتی که رژیم تصور میکرد نیروهای مترقی را در حالت دفاعی قرار داده و سایر افراد « گروه سیاهکل » را وادار به فرار ساخته است دو ضربه شجاعانه و موثر از طرف افراد همین گروه به پیکر رژیم وارد آمد . فقط چند ساعت بعد از مصاحبه مقام امنیتی ، چریک‌ها یک پلیس را که مانع فعالیت آنها شده بود در قلهک بقتل رساندند و سپس توانستند با کمک مردم قلهک شوند . چند روز بعد در ۱۸ فروردین ، سرلشکر فرسیو رئیس دادرسی ارتش و دادستان نظامی سابق که دستش تا مرفق در خون شهیدای ملت فرو رفته بود و در تمام محاکمات چند ساله اخیر نقش یکی از مهره‌های اصلی را داشته است توسط گلوله‌های مسلسل چریک‌ها بمجازات رسید و نابود شد . دلیل این دو اقدام موثر را باید در وضع کلی تماشایی قسوا بررسی کرد و گرته تردیدی نیست که سرلشکر فرسیو در مقام ریاست دادرسی ارتش عاملی بیش برای اجرای اواخر رژیم شاه نبود و این امر برای هرکس و بخصوص قهرمانان سیاهکل روشن است که ترور بالنفسه جوایگی احتیاجات جامعه نیست و تنها انقلاب زحمتکشان جامعه است که میتواند بنیاد اجتماع را زیر و رو کند و جهان نوینی بسازد . پس باید دید چرا این اقدام که برای اولین بار پس از ۲۸ مرداد منجر به مجازات یکی از مسئولین جنایتکار شده مفید و موثر و عملی انقلابی بود ، نه تروررستی . همانطور که گفته شد صرف انجام این عمل بمردم ثابت کرد که نیروهای مترقی نه تنها در موضع دفاعی نیستند بلکه بیش از همیشه حالت تهاجمی دارند و مقصم هستند . دولت با تبلیغات خود وانمود. ساخته بود که از گروه سیاهکل تنها عده کمی بصورت متواری باقی مانده‌اند که بزودی بجنگال او خواهند افتاد . این اقدام از جانب چریک‌ها نشان داد که نه تنها آنها متواری و در موضع عقب نشینی نیستند بلکه ابتکار عمل را بدست دارند و رژیم شاه قادر به مقابله با آنها نیست . این اقدام بزرگترین ضربه را به « حیثیت ! » سازمان امنیت وارد ساخت . سازمان امنیت « قدر قدرت » که حرکت پشه را روی خاشاک بیخالی خود می دید در مقابل این اقدام یکی خلع سلاح شد . تمام آنچه را که سالها با تبلیغات ، دروغ و توپک ساخته بود ناگهان مواجه با نابودی دید . این ضعف این پوشالی بودن ، این طبل میان تهی بودن و این غول گلی بودن را همه اکنون بسهولت می‌توانند ببینند . « سازمان امنیت سازمانی است پوشالی » اکنون دیگر امر ثابت شده است . امریست که هر فرد از خلق ایران برای العین می‌بیند . دیگر حنای سازمان قدر قدرت امنیت رنگی ندارد . همین سازمان که تا چندی پیش هل این مبارز می‌طلبید اکنون بیجان قضاحتی افتاده است که با وجود استفاده از تمام وسایل قابل تصور ، با وجود بخندمت گرفتن تمام امکانات سازمان‌های نظیر « سیا ، تشکیلات صهیونیست‌ها در ایران بعجز خود اعتراف میکند . عکس‌های ۹ نفر از مبارزین مترقی خلق را با در و دیوارها می‌چسباند تا بلکه کسانی بطعم پول و مقام در صدد کمک به سازمان امنیت برآیند . با یک دست تطمیع میکند و با دستی دیگر تهدید . از یک طرف برای افرادی که به خلق خیانت کنند جایزه معین میکند و از طرفی دیگر اعلامیه میدهد و همه مردم ایران را تهدید میکند که اگر بافراد چریک جای و پناه دهند چنین بقیه در صفحه ۳

بقیه اصلاحات

ایران جلوگیری کنند . این مسئله فوری برای شاه او اربابانش بود . وی منظور مهمتر نفع مالی امپریالیستها بود و این هم از سه جنبه :

۱ - تا قبل از اصلاحات ارضی سودی که امپریالیستها از ایران می بردند بیشتر مربوط بود به استفاده آنها از نفت ، فلزات و غیره و فروش محصولات خود در بازارها شهرهای ایران و همچنین استفاده از کارگر ارزان کارخانه هائی که در ایران بکار انداخته بودند . ولی سود آنها از قسمت زراعت و کشاورزی زیاد نبود چون دهقانان اکثرا مواد مورد احتیاج خود را در خود ده تهیه میکردند و کمتر کاری بشهر داشتند و بنا بر این امپریالیستها نمیتوانستند اجناس خود را بفروشند و از این راه هم آنها را مورد استثمار قرار دهند . از این جهت امپریالیستها در صدد بر آمدند که به دهات راه پیدا کنند و دهات را به بازار برای فروش تولیدات خود تبدیل نمایند .

۲ - با بکار گرفتن تراکتور و کودشیمیائی و دیگر وسائل فنی محصولی را که هر دهقان تولید میکند افزایش دهند ولی همانطور که در مقالات قبل در مورد مالکیت ماشین گفته شد در اینجا هم در آمد دهقان در آمد ناچیز قدیم باقی میماند و اضافه محصول بچیب صاحب تراکتور یعنی سرمایه داران ایرانی و خارجی میرفت و باین ترتیب امپریالیسم و همدستان سرمایه دار ایرانی سود و استثمار خود از کار دهقانان را مضاعف میکردند .

۳ - منظور مهم دیگر هم این بود که با وارد کردن الات و ابزار مدرن فنی در زراعت از هر دهقان کار بیشتری بکشند و بدین ترتیب اگر مثلا در سابق در یک ده ۱۰۰ دهقان مقدار معینی محصول تولید میکردند حالا ۲۰ دهقان برای تولید آن محصول کافی است و بقیه ده شده و برای یافتن کار بشهرها روی می آورند و بعلت فقر شدید مجبورند با مزد بسیار کم در کارخانه های امپریالیستها و سرمایه داران داخلی بکار بپردازند . این نیروی بزرگ نیز منبع استفاده جدیدی برای استثمارگران میگردد .

با توجه به هدف های فوق طبیعی است که اصلاحات ارضی علیرغم تبلیغات دروغین شاه برنامه های در جهت تشدید استثمار خلق توسط امپریالیسم و نوکران داخلی آنها نباشد و سبب تیره روزی بیش از پیش عده کثیری از دهقانان شد . در شماره آینده چگونگی اجرای برنامه اصلاحات ارضی و نتایج آنرا بحث خواهیم کرد .

گرفته اند . همچنین خبر رسیده حاکمیت که مبارز جوان و حسین رضائی که بنیابندگی کفدراسیون و سازمان فدویین الملل برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی بایران رفته بود و مدتی در زندان قزل قلعه بود و سپس برای شکنجه بزندان برده شده بود اخیرا به نقطه نا معلومی برده شده است و از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست .

تظاهرات در خارج از کشور بعنوان اعتراض بروش ترور و اختناق رژیم شاه ، از طرف کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی تظاهرات عظیمی با شرکت ده هزار نفر در این هفته در آلمان غربی برگزار شد . عده کثیری از دانشجویان مترقی و مبارز کشورهای مختلف جهان نیز بعنوان همدردی و اعلام همبستگی با مردم ایران در این تظاهرات شرکت جستند .

دکتر غلامحسین سعادی از نویسندگان مبارز ایران که قبلا توسط مزدوران سازمان امنیت بشدت مضروب شده بود بار دیگر در تاریخ ۲ اسفند مورد حمله وحشیانه افراد گارد ضربتی شهر بانی قرار گرفت . خود که کشتن سعادی بود موفق نشد .

در همین ماه ۸۵ نفر دیگر از نویسندگان و هنرمندان ایران بمناسبت تشدید فشار سازمان امنیت اعلامیه ای منتشر کردند و از روش دولت در تشدید خفقان سخت انتقاد نمودند .

از تظاهرات دانشجویان ایران بمحافظات پیکار سایر نیروهای خلق تشدید میشود .

در ۱۲ اسفند ماه ابتدا دانشکده های پزشکی و علوم و فنی تهران و سپس دانشجویان سایر دانشکده ها تظاهرات وسیعی برپا میکنند که چند روز ادامه می یابد و دانشگاه تعطیل میشود . بلافاصله قبل و پس از تعطیلات نوروز نیز تظاهرات وسیعی در دانشگاه تهران بر پا میشود که در آن دانشجویان با دادن شعار « درود به قهرمانان سباهکل » و « هرگز دست نزنیم به

بقیه کفدراسیون

در این رابطه لازم میدانیم از حمایت سیاسی و کمک های مادی کفدراسیون جهانی بخلق ویتنام در چند سال اخیر تشکر نمائیم .

خلق ایران دارای تاریخی طولانی ، افتخارات فراوان تاریخی ، و فرهنگی ملی است . بدین معنی که سابقه طولانی مبارزه علیه فشار و استثمار برای بدست آوردن آزادی و پیشرفت اجتماعی دارد .

ما اطمینان داریم که خلق ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و همه نیروهای ارتجاعی ایران با قاطعیت پیروز خواهد گشت .

ما برای دوازدهمین کنگره کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی موفقیت های فراوان آرزو میکنیم . سوم مارس ۱۹۷۱ هانوی - نیگوین تون گو

پیام از دولت انقلابی موقت ویتنام جنوبی

ما بکنگره کفدراسیون درود میفرستیم ما از تمام نیروهای مترقی که علیه استثمار و برای آزادی و دموکراسی مبارزه میکنند و متوجه است مبارزات بحق مردم ایران حمایت و پشتیبانی میکنیم . خلق ویتنام مبارزات ضد امپریالیستی خود را در درجه اول علیه امپریالیسم امریکا و سایر اربابان ادامه میدهد .

ما از پشتیبانی و همدردی کفدراسیون جهانی با مبارزات بحق مردم ویتنام صمیمانه تشکر میکنیم . ما مطمئن هستیم که مبارزات شما مشکلات زیادی را در پیش دارد ولی در هر صورت پیروزی نهائی شما شما خواهد بود . از دعوت شما برای شرکت در کنگره تان ممنونیم اما متأسفیم که مشکلات ویزائی مسافرت با آلمان غربی بما این اجازه را نمیدهد . برای کنگره شما آرزوی موفقیت داریم . سوم مارس ۱۹۷۱ ویتنام جنوبی

بقیه سباهکل

ارتجاع و پیروزی خلق ادامه خواهد یافت .

درد به قهرمانان حماسه آفرین سباهکل نظر مند باد مبارزات مسلحانه خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع . مستحکم باد پیوند روز افزون نیروهای خلق .

بقیه اخبار

اعلامیه زیر تاریخ ۱۳ اسفند بمناسبت سومین سالگرد وفات دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران بمیزان وسیعی در ایران بخش شد : « آواز سر دهنده که سردار پر شرق آزاده صحیفه آزادی

دارنده رسالت خود جوشی رو بنده بساط چپاولگران غرب دزدان بازگشته دریائی سردار پر بسته بزنجیر جان سپرد » وعده دیندر جمعه ۱۴ اسفند در احمد آباد .

آقای واحدی پور از مبارزین با سابقه جبهه ملی ایران و ۱۶ نفر دیگر در اسفند ماه ۴۹ بعلت مبارزات وسیع و پیگیر خود دستگیر شده اند . و از سرنوشت آنان تاکنون اطلاعی در دست نیست . دستگیری مبارزین قبل از واقعه سباهکل و بعد از آن عده کثیری از افراد و گروه های مبارز در نقاط مختلف کشور بیهانه های مختلف دستگیر شد مانند : از جمله یک گروه ۱۲۰ نفری که در میان آنها آقایان شریفالدین زاده ، زاهدی ، رضائی و شروش بوده اند . همچنین در ارتباط با واقعه سباهکل عده کثیر دیگری از مبارزین دستگیر شده اند و رژیم هراسان و دیوانه وار بیهانه جستجوی مبارزینی که مخفی شده اند بزحمت مردم مشغول است .

محاكمه ۱۲ نفر از افراد « گروه قهرمانان سباهکل » در محاکم نظامی ایران اکنون در جریان است . ما مطمئن هستیم که مردم مبارز ایران نخواهند گذاشت که هدف های پلید رژیم در مورد این مبارزین دلیر و میهن پرست تحقق یابد . شکنجه در زندان طبق اخبار رسیده از ایران ، بدنبال مدافعات قهرمانانه باکوزاد ، بطحائی ، کاشخاز « گروه فلسطینی » ، پس از صدور حکم دادگاه بعلت کینه توزی شاه جلد ، بار دیگر

دو نمونه از پیام های رسیده از طرف سازمانها و شخصیت های جهانی به کنگره ۱۲ کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی .

پیام از جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی

به : کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی .

رفقای عزیز : بمناسبت دوازدهمین کنگره کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی اولاقتمندیم به کنگره ، و از طریق کنگره بجمه دانشجویان ایرانی که بکفدراسیون وابسته اند گرمترین سلام های خود را عرضه داریم .

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا با وجود حملات وحشیانه خود و سرسختیش در این جهت بطور دائم از طریق دو جریان انقلابی بزرگ در زمان حاضر یعنی انقلاب سوسیالیستی و انقلاب آزادیبخش ملی دچار شکست های گوناگون میگردد .

در بسیاری از کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین ، امپریالیست ها با استفاده از مقادیر زیادی پول و اسلحه حکومت های وابسته را بر سرپا نگاه داشته اند . این حکومتها با وحشیگری هر چه بیشتر جنبش های آزادیبخش ملی و همچنین تمام مبارزاتی را که برای کسب آزادی های دموکراتیک و اجتماعی انجام می گیرند سرکوب می کند . ولی وحشیگری آنها تنها بیان فساد این حکومتها و این حقیقت است که آنها بالاخره از طرف خلق های رزمنده بزانو در خواهند آمد .

خلق ویتنام که در ۳۰ سال گذشته با قاطعیت و شجاعت ، فاشیست های ژاپنی و استثمارگران فرانسوی را بشکست وادار نموده است ، امروز در صدد است که شاته به شانته خلق های لائوس و کامبوج بر امپریالیسم امریکا پیروز گردد . خلق ویتنام در مبارزه میهن پرستانه خود برای نجات ملی از حمایت و کمک بیدریغ همه انسانیت مترقی ، منجمله مردم پیشرو ایران بر خوردار است .

بقیه سباهکل

و چنان خواهد کرد . علم وزیر دربار و « مغز همایونی » این نوکر پر استثمار ، نفق می کند و گریه وزاری میکند . علم در نطق خود مویکیده روزگاری بود که مردم و نمایندگان آنها در مجلس موا « مسخره میکردند » ولی امروز ببرکت قدرت شاهنشاه کسی جرات این کار را ندارد . شروع میکند به التماس ، که « ما همه برادریم ، ما با کسی جنگ نداریم » . این بیشرم رذل ، این مغز گندیده شاه ، در حالی که هنوز یکماه از کشتار جنایتکارانه ۱۵ دلیر مرد نگذشته ، ادعا میکند که « همه ما هم برادریم » . این سفیهان چه کسانی را بجز خود میتوانند فریفت ؟ آیا اینها نشانه بیچارگی ، ضعف و پویشانی نیست ؟ آیا گریه جلال ببعثت فرا رسیدن روز نابودی خود او نیست ؟

در این حوادث همکاری دهقانان با پارتیزان ها و ابتکاراتی که در این راه کرده اند و رفتن عده ای از آنها بجنگل برای مبارزه با قوای دولتی و همچنین همکاری مردم شهر با آنها ، امید بزرگی از درجه آگاهی خلق در دلها ایجاد میکند . دهقانان ایران که هزاران سال تحت ستم استثمارگران بوده اند بکرات ثابت کرده اند که حاضرند بمجرد دیدن امکان عمل دست بمبارزه مسلحانه بزنند . این از بزرگترین درس های حوادث اخیر است . و این درست نکته ایست که رژیم از آن وحشت برمگبار دارد و برای پوشاندن آن از نظار بهر حیله و تقلبی متوسل میشود که نمونه آنرا در مصاحبه ناپاتی دیدیم .

امروز مردم ایران بروشتی می بینند که در مملکت دو نیرو وجود دارد . نیروی خلق و نیروی ارتجاع ، هر دو مسلح اند و هر دو کمر به نابودی دیگری بسته اند . ولی یکی مترقی است یکی مرتجع . یکی در جهت سیر تاریخ است و یکی در جهت عکس آن ، یکی رشد یافته است و یکی در حال زوال ، یکی پیروزمند است و یکی محکوم بمرگ اکثریت عظیم مردم ایران که نیروهای خلقی هستند جهت و موضع خود را هر روز پیشتر خواهند شناخت و بیاری پیشاهنگان خود که در مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم در صفوف مبارزه هستند خواهند شتافت . تضادهای خلق و ضد خلق تشدید و آشکارتر میشود . تضادهای بین نیروهای ارتجاع تشدید میشود . وحدت صفوف خلق مستحکم تر میشود . توده های مردم بیش از پیش مصمم و مسلح میگرددند و این جریان تا شکست نهائی امپریالیسم و

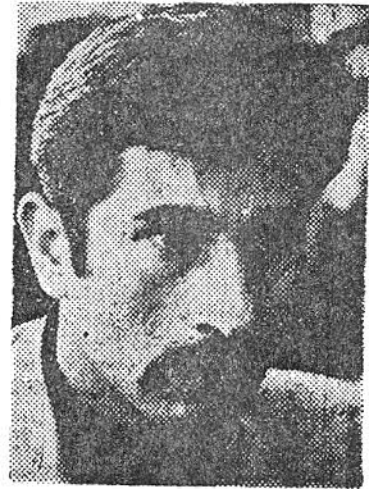
در جامعه ایران

اصلاحات ارضی

باختر امروز

گومرو آزادگان دربند

روسی نامردمان بر کار



مسعود بطحائی

وقتی ترور و خفقانی که در ایران حاکم است تصور گردد و در قلب آن، در مرکز قدرت نمائی از تجزیه و درون بیدارگاه نظامی شاه - مجسم گردد که چه میگذرد، و چگونه جنایاتی رواست و آنگاه شنیده شود که در درون این بیدارگاه و در این تکیه‌گاه قضایان قدره نهد، گروهی جوان انقلابی سرود انترناسیونال میخوانند، آنگاه میشود به عظمت انسان پی برد، و شکوه مندی خلق را دریافت. در چنین حالتی است که میتوان دید انسان تا چه حد میتواند عظیم باشد. در دادگاه نظامی شاه، انقلابیون گروه فلسطین وقتی حکم محکومیت خود را شنیدند دستجمعی سرود انترناسیونال را خواندند. و بدین ترتیب نشان دادند که شکنجه های وحشیانه و جنایات یکساله مزدوران شاه نه تنها کوچکترین خلی در تصمیم آنان به مبارزه وارد نیاورده بلکه مصمم تر و خشمناکترشان نیز ساخته است. در بین این جوانان قهرمان مسعود بطحائی از ستارگان درخشان است.

مسعود بطحائی در سال ۱۳۲۰ در یکی از محلات فقیر نشین تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را تا سال پنجم دبیرستان در تهران ادامه داد و سپس به کار پرداخت. بطحائی یک کارگر به معنای واقعی بود. از ابتدای زندگی، و از همان زمان که با انسانها آشنا شد، با درد انسانها نیز آشنا گردید. بطحائی از ابتدای کودکی در محلات فقیر نشین تهران چهره زشت فقر و گرسنگی را دید. او دید که انسانها چگونه رنج میبرند، و باغم و درد مردم آشنا شد. سالهای ۴۲-۳۹ محیط سیاسی ایران بسیاری را با مبارزه و مسایل مبتلا به مردم آشنا ساخت. بطحائی یکی از این افراد بود، از این پس او بشدت بمبارزه خود ادامه داد و قهرمانانه در صف مردم قرار گرفت. او همیشه با مردم بود و هر وقت امکان جنبش دست میداد در پیشاپیش صفوف قرار میگرفت. در تظاهرات روز ۷ و چهارم تاختی فعالانه شرکت کرد. پس از مراسم چهارم تاختی توسط پلیس شاه دستگیر شده به زندان افتاد. از اسفند ماه ۱۳۴۶ تا اردیبهشت ۱۳۴۷ در زندان بود. بطحائی در زندان آردیده تر شد و کار آزموده تر. پس از پایان دوره زندان باز پیکرانه بمبارزه پرداخت. بطحائی در مبارزه بی نهایت سرسخت و فداکار است، بطحائی از کسانی است که با تمام وجود وابسته به مردم اند و خود را یکجا به خلق وا گذاشته اند. محیط ترور و خفقان ایران نبودن امکان مبارزه رضایتبخش باعث شد که بطحائی با چندن از دوستانش تصمیم بگیرند به انقلاب فلسطین بپیوندند. او یک مارکسیست لنینیست بود و معتقد

در شماره ۸ باختر امروز مسئله مالکیت زمین در ایران را مورد بحث قرار دادیم و گفتیم « زمین داری در ایران دارای سابقه ای طولانی است، و قرن هاست که قسمت اعظم زمینهای قابل کشت ایران به تعداد قلیلی مالک داشته است و این زمینها اکثراً بصورت موروثی در خانواده مالک باقی مانده و از پدر به پسر رسیده ». و توضیح دادیم که چگونه تحت نظام کهنه اقلیت ثروتمندی برای قریبای متمادی ملیونها انسان ستمکش را مورد استثمار قرار میدادند در ضمن یاد آور شدیم که شاه که خود بزرگترین زمیندار ایران است ادعا دارد که « اصلاحات » ارزشش نظام ارباب و رعیتی را بکلی از میان برداشته و اکنون دهقانان ایران صاحب زمین بوده و در رفاه زندگی میکنند. ما در این مقاله دروغ بودن ادعای فوق را ثابت کرده و بطور کلی مسئله اصلاحات ارضی را مورد بحث قرار میدهم.

در سالهای ۱۳۳۹ - ۱۹۴۱ حکومت شاه با ورشکستگی اقتصادی روبرو بود. کارگران و دهقانان ستمکش ایران نیز تحت فشار وضع اقتصادی بر شدت مبارزه خود می افزودند. رکود اقتصادی و اوج مبارزات مردم بآن حد رسید که حکومت ضد مردمی شاه نابودی خود را بچشم می دید. امپریالیست ها برای نگاهداری حکومت دست نشانده شاه و محافظت و ازدیاد منافع خود از استثمار ایران چند برنامه از طریق نوکر خود شاه در ایران بمورد اجرا گذاردند که مهمترین و پر سر و صدا ترین آنها اصلاحات ارضی بود. شاه که خود بزرگترین زمین دار ایران است ناگهان ظاهر انقلابی شد و فریاد بر آورد که زمین را بین دهقانان تقسیم می کند و با زمینداران مبارزه خواهد کرد.

شاه و امپریالیسم در منظور از این سرور صدا کردنها و شعار دادنها داشتند. از طرفی میخواستند با دادن مقداری وعده و وعید از جنبش انقلابی دهقانان بقیه در صفحه ۳

توجه

جزوه دفاعیات پاکتراد از « گروه فلسطین » که در ایران بطور وسیع پخش شده و در خارج از ایران هم بزبانهای فارسی و چندین زبان اروپائی منتشر شده است، از طرف این سازمان بزبان عربی منتشر گردید.

گروه فانات

(منظومه)

این سازمان « منظومه کوچک خان » اثر جعفر کوش آبادی، شاعر توده ها را بیاد بود قهرمانان سیاهکل منتشر نمود.

خلق همه آغوش با سینه های افروخته از کینه دشمن با پای و دست خسته در زنجیر فریادهای در گلو پیچیده را با جان شیرین پاسدارند

آن چشمه اندیشه جبر عموغل

بر خیز کوچک خان ! بر خیز تا در گشتزارانی که از خشکی در زیر باد و آفتاب داغ میسوزند تا تک چراغ روستاها را بر افروزم

بود که امپریالیسم را در هر سنگری میتوان کوبید. ویتنام، فلسطین با ایران. در دیماه ۱۳۴۸ اورا با ده نفر از دوستانش سرمرز ایران و عراق دستگیر کردند. افراد این گروه مدت یکسال زیر شکنجه بودند. بطحائی در دادگاه نظامی محاکمه شد و یکی از سه نفری بود که به حبس ابد محکوم گردیدند. بطحائی حکم زندان دائم خود را با نیشخندی به حماقت مرتجعین استقبال کرد، چرا که میدانست بخاطر مردم زندانی میشود و توده های زحمتکش او را تایید میکنند.

بطحائی از فرزندان قهرمان و پاکباز خلق است. برای رهائی مسعود بطحائی و همه زندانیان سیاسی متحدا مبارزه کنیم.

سیاست تسلیم طلبانه مصر

ماضمن بررسی نقش ناصر و ماعیت رژیم مصر، در شماره های ۲ و ۳ دوره چهارم باختر امروز، نشان دادیم که چگونه با رشد و توسعه مبارزه انقلابی خلق قهرمان فلسطین، رژیم مصر با پذیرفتن طرح راجرز به موضع ضد انقلابی در غلطید.

اکنون مدتی از مرگ ناصر میگذرد و رژیم مصر تحت رهبری انور سادات سیاست کاملاً تسلیم طلبانه ای در برابر امپریالیسم تعقیب میکند، و آشکارا با ممد و ثنائی ارتجاع پرداخته است. مسافرت محرمانه انور سادات به امریکا، و مقاله ای که هیگل نزدیکترین دوست ناصر و سردبیر روزنامه الاهرام چندی قبل در مورد امریکا نوشت و در آن تمام کشورهای عربی را به دوستی با امریکا دعوت نمود و مسافرت تراجرز به مصر نشان دهنده عمق ضد انقلاب و ریشه های فساد در رژیم مصر میباشد.

سیاست ارتجاعی مصر موقعی تشدید شد که از رژیم ضد خلقی شاه که دشمن جنبشهای آزادیبخش مردم عرب و دوست صمیمی اسرائیل میباشد دعوت به همکاری کرد و وزیر خارجه مصر به تهران مسافرت کرده ضمن سخنرانیهای نوکر منشانه، شاه ایران را دوست همیشه گی مردم عرب نامید. دوستی شاه با ملک حسین، ملک فیصل و سایر مرتجعین عرب، و کمکهای اقتصادی، نظامی و سیاسی رژیم شاه به صهیونیسم بر هیگلکس پوشیده نیست. نه تنها رژیم شاه با صهیونیستها شبکه جاسوسی وسیعی در خاورمیانه علیه جنبشهای آزادیبخش ایجاد کرده، بلکه در خاورسترین لحظات و موقعیکه خلق دلاور فلسطین مشغول نبرد مرگ و زندگی با صهیونیسم و ارتجاع بود، رژیم شاه به اسرائیل نفت صادر میکرد، و با در جریان جنگ ده روزه میان فدائیان فلسطین و نیروهای ارتجاعی اردن برای ملک حسین جهت سرکوب فدائیان اسلحه میفرستاد.

آیا چنین سیاستی را میتوان دوستی با مردم عرب نامید؟ نمونه دیگر کینه توزی شاه نسبت بمردم فلسطین در جریان دستگیری و شکنجه و حبسهای طولی مدت عده ای از جوانان روشنفکر و انقلابی ایران (گروه فلسطین) که قصد پیوستن به انقلاب فلسطین را داشتند به اثبات رسید. رفتار دمنشانه رژیم شاه نسبت به آنان بطور وسیع در سطح جهانی انعکاس یافت و همه مرتجعین منجمله سران رژیم مصر نیز از آن مطلع گردیدند.

مواضع ارتجاعی رژیم مصر درقبال مسئله فلسطین و نزدیکی آن به امریکا و رژیم ارتجاعی شاه تصادفی نیست. ریشه های آنرا باید در تزلزل بورژوازی و خورده بورژوازی و ماعیت دستگاه اداری - نظامی فرسوده آن جستجو کرد.

از آنجائیکه رژیم مصر خصلت انقلابی خود را از دست داده عاجزانه به (صلحی) ننگین و به همزیستی و قیچانهای با اسرائیل و امریکا راضی است و با ادام سیاست خود قصد دارد دوستی با امریکا و برسمیت شناختن اسرائیل را هر چه زود تر عملی سازد.

انور سادات به کوره راهی میروند که امپریالیستها سالیان دراز آرزوی آنها داشتند و برای آن موعظ میکردند. آنچه تاکنون مانع انحطاط کامل رژیم مصر شده، ترس از انقلاب فلسطین و فشار توده های ستمدیده و ناراضی مصر میباشد.

گرچه حزب خورده بورژوازی و سوسیالیست متحده عرب، در مصر با شعارهای عوامفریبانه و با اتکا به سران اتحاد جماهیر شوروی و توسل به دستگاه اداری نظامی کوشش میکند از رشد انقلاب جلوگیری کند، ولی توده های ستمدیده و ناراضی مصر با توسل به قهر انقلابی و رهبری از پیشقراولان انقلاب فلسطین توطئه های سازشکارانه و ضد انقلابی رژیم مصر و ارتجاع عرب را درهم خواهند شکست.

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

نشانی بانکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896

ایران ۲ ریال
لبنان ۱۰ فروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ فروش

برای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم